

نظریه «خساست مقدس» در کشورداری: فهم پدیده، زمینه‌سازان و دستاوردهای آن

حسن دانائی فرد^{۱*}

استاد، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

چکیده

کشورداری را فرآیند پویای حکمرانی، اداره امور عمومی و امور جاریه کشور تعریف کرده‌اند که در پرتو خط‌مشی‌های عمومی، راهبردهای بخش دولتی و رویه‌های حاکم بر عملیات روزمره ساحت‌های مختلف جامعه و تعاملی پویا با محیط بین‌الملل کلیت یکپارچه‌ای را شکل می‌دهد. آنچه این فرآیند را «به نیکویی یا به بدی» روح می‌بخشد، حاکمان، سیاستمداران، مدیران و کارکنان به‌عنوان «سرمایه انسانی» جامعه هستند. این انسان‌ها آنگاه که نسبت به کشور خود غیرت و احساس مالکیت روانشناختی آگاهانه پیدا می‌کنند در تصمیم‌گیری‌های خود، نسبت به «منابع عمومی کشور» حساس، دقیق و با حساب و کتاب می‌شوند و به عبارت دیگر دچار «حساسیت مقدس» در رفتار حکمرانی، مدیریتی و عملیاتی خود می‌شوند. فهم این پدیده، زمینه‌سازان و دستاوردهای آن هدف غایی این نوشته است.

واژه‌های کلیدی: کشورداری، حکمرانی، اداره امور عمومی، امور جاریه عمومی، خساست مقدس



مقدمه

اگرچه بر سر هدف از اقامه حکومت و دولت در ادبیات زمامداری بحث و جدل‌های فراوانی وجود دارد ولی همه کشورها بر اساس قانون اساسی یا قوانین مادر خود، فرآیندی را تحت‌عنوان «کشورداری» طراحی کرده‌اند که در پرتو آن خط‌مشی‌هایی را برای راهبری اندیشه‌ای، رفتاری و گفتاری آحاد جامعه به سوی اهداف مصرح در قوانین اساسی وضع می‌کنند، سپس برای اجرای این خط‌مشی‌ها، راهبردهایی تنظیم و برای انجام عملیات اجرایی راهبردها، رویه‌ها، دستورالعمل‌ها، و آیین‌نامه‌هایی ... بر تار و پود همه امور جاریه کشور ساری و جاری می‌سازند. در این فرآیند، خط‌مشی‌های ملی که به‌عنوان سازکارهای اصلی حکمرانی ملی محسوب می‌شوند مجوز «تولید، توزیع، تخصیص و مصرف» منابع، سرمایه‌ها و بودجه عمومی، مجوز وضعیت حال و آینده کشور در همه ابعاد، راهبردها «مسیر اجرایی این مجوزها» و رویه‌ها «نحوه پیاده‌سازی این مجوزها در عمل» را رقم می‌زنند.^۱ خط‌مشی‌ها، راهبردها و رویه‌ها محمل «اندیشه‌ها، گفتارها و رفتارهای حاکمیتی، مدیریتی و عملیاتی مطلوب موردنظر حکومت در ساحت‌های تولید، توزیع، تخصیص و مصرف» منابع و سرمایه‌های ملی جامعه هستند.^۲ در مورد رفتار خط‌مشی‌گذاران، مدیران و کارکنان دولت که در ادبیات اداره امور عمومی از آنها به‌عنوان «مستخدمان عمومی» (public servants) یاد می‌شود فراوان بحث شده است. واژه «عمومی» در عبارت «خط‌مشی‌گذاری عمومی»، «اداره امور عمومی»، «خدمات عمومی» «مستخدم عمومی» هم در ادبیات غرب و شرق و هم در ادبیات اسلامی از قداست خاصی برخوردار است و نظریه‌های خاصی دارد.^۳ بر این اساس، عمومی یعنی متعلق به مردم،

۱. باید توجه داشت که خط‌مشی‌های عمومی صرفاً پول ملت را در زمان حال و آینده تخصیص نمی‌دهد بلکه همه ساحت‌های رفتاری، گفتاری و اندیشه‌ای کشور را در همه ابعاد تحت سیطره خود قرار می‌دهند. خط‌مشی‌ها رکن رکن هستی‌بخش به حکمرانی ملی هستند.

۲. منظور از منابع صرفاً پول ملت نیست... آبرو و اعتبار کشور، هویت و دین کشور، ارزش‌ها و باورهای مردمانش... آینده و دورنمایش... هم مد نظر است.

۳. به‌طورکلی پنج نگاه به واژه «عمومی» (public) در «اداره امور عمومی»، «خط‌مشی‌گذاری عمومی» و «حکمرانی عمومی» می‌توان ترسیم کرد: ۱- عمومی به‌عنوان گروه‌های ذینفع: نگاه تکثراگرا، ۲- عمومی به‌عنوان: مصرف‌کننده: نگاه انتخاب عمومی، ۳- عمومی به‌عنوان: نمایندگی عامه: نگاه تقنینی، ۴- عمومی به‌عنوان ارباب رجوع: نگاه خدمت‌رسانی، ۵- عمومی به‌عنوان شهروند (Fredrickson, 1991:396). در نگاه اسلامی از عمومی به‌معنای بندگان خدا یا امت یاد شده است (دانایی فرد ۱۳۹۶).



یعنی منفعت عامه، یعنی مصلحت جمع، یعنی بیت‌المال، یعنی همگانی، پس خط‌مشی‌گذاری، مدیریت و همین‌طور عملیات که به‌دست افراد سپرده می‌شود صبغه امانت به‌خود می‌گیرند.^۱ به‌طورکلی در نگاه اسلامی از عمومی به‌عنوان بیت‌المال یاد شده است.^۲ اگرچه بسته به فرهنگ سیاسی کشورها، القاب مختلفی به حکومت و دولت به‌عنوان حاملان حکمرانی، اداره امور و انجام عملیات جاریه داده شده است ولی در فرهنگ اسلامی و متون دینی از آن به‌عنوان «خادم، هادی، حامی» یاد می‌شود.^۳ در اسلام، حاکم خود را خادم و دوست و همدم مردم می‌داند و رسیدن به قدرت و حکومت را طعمه و فرصتی مغتنم برای ثروت‌اندوزی تلقی نمی‌کند (فلاح کلوکلابی ۱۳۸۴). براین‌اساس تصدی چنین پست‌هایی شایستگی‌های مهمی

۱. اداره امور عمومی، خط‌مشی‌گذاری عمومی، حکمرانی عمومی حوزه‌های مطالعاتی هستند که بر اساس اصول و ارزش‌های اخلاقی (و در حکومت اسلامی بر اساس اصول و ارزش‌های اخلاقی دینی) بنا شده‌اند. کلمه «عمومی» در این حوزه‌های علم و عمل مقدس تلقی می‌شود زیرا نشان‌دهنده محملی عمومی است که مردم به مستخدمان عمومی واگذار می‌کنند تا در پرتو آن به بهترین وجه به عامه مردم خدمت کنند. مقدس بودن کلمه «عمومی» در این واقعیت نیز متجلی می‌شود که خدمات عمومی (در قامت مدیر دولتی، خط‌مشی‌گذار عمومی، مستخدم دولتی) اغلب به‌عنوان نوعی رسالت انسانی متولیان محسوب می‌شود و نه اینکه به‌عنوان یک شغل تصور شود (Denhardt, ۱۳۹۷:۱). به گفته دنهارت (۱۳۹۷) تصدی این پست‌ها نوعی فرصت خدمتگزاری است تا کسب یک شغل برای امرار معاش؛

۲. بیت‌المال در اسلام به معنای خزانه‌داری‌ها و اموال مسلمانان تعریف شده است که به‌عنوان امانت در اختیار حاکمان جامعه قرار می‌گیرد. در قرآن کریم، در آیه ۵۸ سوره نساء آمده است: "إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَيْهِ؛ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ؛ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ؛ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا". «خداوند شما را به این امر می‌فرماید که امانت‌ها را به صاحبانشان برگردانید و هنگامی که در بین مردم داوری می‌کنید، با عدالت داوری کنید؛ خداوند به شما نصیحت می‌کند؛ خداوند شنوا و بیناست». لذا، بر اساس این آیه، بیت‌المال امانتی است که باید به عدالت مدیریت شود و از سوءاستفاده‌ها محافظت شود؛ امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) هم می‌فرماید: "أُذُّ الْأَمَانَةُ إِذَا أُتِّمَتَ وَلَا تُتَّهَمُ غَيْرَكَ إِذَا أُتِّمَتَتْ". «امانتی که به تو سپردند به صاحبانش برگردان و تو نیز کسی که او را امین و امانت‌دار خود دانستی مورد شک و اتهام قرار مده». (بحار، ج ۷۷، ص ۸۵).

۳. رفع نیاز حاجتمندان و کمک به ارباب رجوع، در جوامع حدیثی و منابع فقهی بخش‌های مستقلی به آن اختصاص داده شده است: "قضاء حاجة المؤمن"، "خدمة المؤمن"، "الاهتمام بامور المسلمين"، "الطاف المؤمن و اكرامه" برخی از عناوین این ابواب است. امام حسین علیه السلام هم می‌فرماید:

"اعلموا ان حوائج الناس اليكم من نعم الله عليكم فلا تملوا النعم فتتحول الي غيركم (مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۶۹):" بدانید نیازمندی‌های مردم که [به شما مراجعه می‌کنند] از نعمت‌های الهی است پس نعمت‌ها را افسرده نسازید [یعنی مبادا با رنجاندن مردم نیازمند کفران نعمت کنید] که این وظیفه خدمت‌رسانی به دیگران محول خواهد شد.



می‌طلبد که مهمترین آنها در فرهنگ دینی «امانت‌داری» است.^۱ امانت در اصل به معنای سکونت و آرامش قلب است و در اصطلاح، به معنای چیزی است که نزد غیر به ودیعه بسپارند تا آن را برای سپارنده حفظ کند و سپس به وی برگرداند (طباطبایی، ج ۱۶، ۱۳۹۶، ص ۳۷۰). یکی از حقوق مردم، این است که حکومت در دست حاکم، امانتی است که مردم آن را به او سپرده‌اند و نقش حاکم، نقش یک «وکیل» و «امین صالح» و «راعی و نگهبان» و نقش مردم، نقش «موکل» و «صاحب حق و امانت» است و از این دو یعنی حکمران و مردم، اگر بناست یکی برای دیگری باشد، این حکمران است که برای توده مردم محکوم است، نه توده محکوم برای حکمران (مطهری، ۱۳۵۴، ص ۱۲۸). بدین معنا خط‌مشی‌گذار، مدیر یا مستخدم دولت باید مسئولیت و منصب پذیرفته شده را امانتی تلقی کند که بر اساس سلسله مراتب از خدا به ولی و از ولی به او واگذار شده است (اعرافی، ۱۳۸۰، ش ۲۶، ص ۲۶). اگر بپذیریم که در محمل‌هایی مانند خط‌مشی‌گذاری عمومی، اداره امور عمومی و عملیات امور عمومی در مورد منابع عمومی، بودجه عمومی یا بیت‌المال^۲، خط‌مشی‌گذاری، راهبردی‌نگاری و در نهایت فعل خرج کردن رخ می‌دهد، همه این اعمال صبغه عمومی دارند یعنی متعلق به همه مردم است و نوعی امانت تلقی می‌شوند (اعرافی ۱۳۸۰) پس در هنگام خط‌مشی‌گذاری، مدیریت و در نهایت مصرف این منابع، سرمایه‌ها یا بودجه عمومی باید: «حساس بود»، «سخت‌گیر بود»، «با حساب و کتاب بود»، «دقیق و وسواس بود»، «به دقت آنها را تخصیص داد»، «بی‌محابا تسلیم نکرد»، «مفت و به ثمن بخش نبخشید» به عبارت دیگر باید «حساسیت به خرج داد»^۳. اگرچه وقتی انسان‌ها نسبت به مال و منابع شخصی خود حساسیت بالایی نشان می‌دهند، یعنی نسبت به دخل و خرج شخصی خود بدون هدف و برنامه امساک افراطی

۱. قرآن کریم در آیه ۵۸ سوره نساء به موضوع امانت اشاره می‌کند و می‌فرماید: "إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا"؛ خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش بدهید!

۲. بیت‌المال به معنای خزانه‌داری‌ها و اموال مسلمانان است که به‌عنوان امانت در اختیار امام مسلمانان (و کارگزاران) قرار می‌گیرد. بیت‌المال مال عمومی است و باید به عدالت مدیریت شود و از سوءاستفاده‌ها محافظت شود. دارایی‌ها صرفاً دارایی فیزیکی مانند زمین‌ها، جنگل‌ها، نیروی انسانی و ... نیست ... هویت و اعتبار یک کشور ... نیز دارایی و بیت‌المال مردم آن کشور است.

۳. باید توجه داشت نسبت به همه نوع منابع و سرمایه‌های کشور (فیزیکی، معنوی، انسانی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، تکنولوژیک و ... حساس بود) زیرا متعلق به همه مردم ایران در زمان حال و آینده است.



می‌ورزند عملشان مذموم تصور می‌شود ولی نویسنده مدعی است خساست به خرج دادن در حفظ بیت‌المال ملت می‌تواند «مقدس»^۱ تصور شود اگر هدفمند و در راستای پاسداری از منابع و سرمایه‌های مردم و همین‌طور منطبق با دستورات خداوند برای خدمت به خلق خدا باشد نه کنز آنها که در ادبیات متداول و ادبیات دینی مذموم تصور می‌شود، هم چنانکه گاهی اوقات صفت مذموم «تکبر» می‌تواند عبادت تلقی شود.^۲ همین‌طور بخل ورزیدن هم در برخی شرایط می‌تواند امر مقدسی تلقی شود.^۳ خشم مقدس هم در ادبیات دینی ما به چشم می‌خورد.^۴ گفته می‌شود خشم مقدس، یکی از نشانه‌های اهل ایمان است.

۱. مُقَدَّس در لغت به معنی «پاک، پاکیزه، منزّه، پاک‌کرده، به پاکی یاد شده، و به پاکی خوانده شده» است. (لغت‌نامه دهخدا، سرواژه مقدس). براین اساس وقتی گفته می‌شود عملی مقدس شمرده می‌شود یعنی آن عمل، عمل خوب و پاک و محترمی شمرده می‌شود.

۲. اَلتَّكْبَرُ مَعَ الْمُتَكَبِّرِ عِبَادَةٌ (تکبر ورزیدن در برابر انسان متکبر عبادت است) (الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، ج ۲۶، ص ۴۹).

۳. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خطاب به ابوذر می‌فرمایند: «یا اباذر؟ کن علی عمرک اشح علی درهمک و دینارک»؛ ای ابوذر! بر عمر خویش بخیل‌تر از درهم و دینارت باش. اگر کسی با زحمت و تلاش فراوان پولی فراهم ساخت، آیا آن را به آسانی در اختیار دیگری قرار می‌دهد؟ از آنجاکه برای تهیه آن زحمت فراوان کشیده است، مفت از دست نمی‌دهد و قدر آن را می‌داند. در مقابل ممکن است، بدون احساس اندکی زیان، ساعت‌ها عمر خود را در راه باطل صرف کند. به عبارت دیگر ممکن است، ما در صرف مالمان بخیل باشیم، اما در صرف عمر خود بخیل نیستیم؛ با اینکه ارزش مال با ارزش عمر برابری نمی‌کند. بنابراین، بخل داشتن نسبت به عمر، مسئله مهمی است که می‌توان از این فراز نورانی آن را برداشت کرد (مصباح یزدی ۱۳۹۱).

۴. خشم مقدس در کنترل عقل و شرع قرار دارد، درحالی‌که خشم شیطانی، در کنترل هوا و هوس قرار دارد. ازسوی‌دیگر، خشم مقدس توأم با برنامه و هدفی مقدس است، درحالی‌که خشم شیطانی برنامه و هدف مقدسی ندارد. همچنین خشم مقدس دارای حدود معینی است، درحالی‌که خشم شیطانی هیچ حد و مرزی را نمی‌شناسد (مکارم شیرازی پایگاه اطلاع‌رسانی ۱۳۷۹/۱۰/۲۹)؛ امام صادق (علیه‌السلام) هم می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُ الَّذِي إِذَا غَضِبَ لَمْ يَخْرُجْهُ غَضَبُهُ مِنْ حَقٍّ، وَإِذَا رَضِيَ لَمْ يَدْخُلْهُ رِضَاؤُهُ فِي بَاطِلٍ»؛ مؤمن کسی است که هرگاه خشمگین شود، خشم، او را از دایره حق خارج نمی‌کند، و هرگاه [از کسی] خشنود گردد، خشنودیش او را در باطل وارد نمی‌سازد. (پایگاه اطلاع‌رسانی ۱۳۷۹/۱۰/۲۹)؛ قرآن کریم هرگز اصل خشم را تخطئه نمی‌کند بلکه خشم‌های مقدس را می‌ستاید. اساساً خشم مقدس یکی از صفات الهی است که نام‌های قهار و جبار حضرتش به آن اشاره دارد. امام باقر (ع) در مورد ویژگی‌های شیعیان علی (ع) می‌فرماید: «إِذَا غَضِبُوا لَمْ يَطْلُبُوا»؛ آن گرامی در سخن فوق نمی‌فرماید که شیعیان علی (ع) خشمگین نمی‌شوند؛ چراکه خشمگین شدن اگر متعادل و در راه حق باشد، نه تنها ناپسند نیست؛ بلکه پسندیده و مورد رضای حق هم خواهد بود. (پاک‌نیا ۱۳۸۸ ص ۸۵).



در ادبیات غربی هم در برخی موارد خساست به خرج دادن عین عقلانیت است.^۱ بر این اساس، خساست مقدس را می‌توان شاخصه رفتاری مهم «خطمشی‌گذاران، مدیران و کارکنان دولت در تولید، توزیع، تخصیص و مصرف» منابع، سرمایه‌ها و بودجه عمومی کشور دانست که نه تنها مانع نوآوری و شکوفایی نمی‌شود بلکه به کارگیری عالمانه و عادلانه منابع مردم را افزایش می‌دهد و از اتلاف این منابع جلوگیری می‌کند زیرا این نوع خساست هدفمند و آینده‌نگرانه و در راستای پاسداری از حال و آینده مردم است.

بر این اساس، از آنجایی که خطمشی‌گذاران، مدیران و کارکنان دولت امانت‌داران «منابع، سرمایه‌ها و بودجه عمومی» کشورند، «کاربست صحیح، به‌هنگام و اثربخش» چنین منابعی در راستای اهداف مردم کشور وظیفه اصلی آنها است. از این رو واگرایی اهداف این افراد با اهداف آحاد جامعه منجر به صدمات جبران‌ناپذیری به منابع عمومی می‌شود. اما اگر همگرایی در اهداف طرفین منجر به شکل‌گیری مالکیت روانشناختی در میان خطمشی‌گذاران، مدیران و کارکنان نسبت به اموال، منابع، سرمایه‌ها و بودجه‌های عمومی شود، طوری که این افراد منابع عمومی را مثل منابع شخصی خود تصور کنند که نسبت به «استفاده» از آنها به شدت امساک به خرج می‌دهند، یعنی دچار خست می‌شوند، بی‌تردید در پاسداری از بیت‌المال مردم نیز چنین خواهند کرد. با این توصیف، خساست مقدس در کشورداری یعنی در امر خطمشی‌گذاری، مدیریت و عملیات تولید، تخصیص، توزیع و مصرف بیت‌المال باید «به‌شدت سخت‌گیر بود، به‌شدت دقیق بود، باحساب و کتاب تصمیم‌گیری کرد، سریع تسلیم نشد»^۲ در نتیجه خطمشی‌گذاران، نباید خطمشی‌ای وضع کنند که صرفاً افرادی خاص از مزایای آن منتفع شوند، نباید خطمشی‌ای اقامه کنند که هزینه‌هایش نسبت به منافع حاصله از آن بیشتر است؛ نباید بی‌محابا، بدون حساب و کتاب مقرراتی وضع کنند که آبروی حکومت و دولت و کشور به

۱. وقتی خساست به‌خرج دادن در موارد ذیل رخ دهد مفید تصور می‌شود: (۱) صرفه‌جویی راهبردی (Strategic frugality) (باید محل خرج کردن را با دقت در اولویت‌ها تعیین کرد)، (۲) پس‌انداز برای اضطرارها (خساست در اینجا تضمین ثبات و امنیت مردم است)، (۳) جلوگیری از اتلاف منبع (وقتی می‌دانیم خرج کردن عین اتلاف است خساست در خرج کردن مقدس است)، (۴) احتراز از مصرف‌گرایی افراطی (وقتی هدف تمرکز بر اهداف معنادار و والا است خرج نکردن در جاهای دیگر خساست مقدس می‌توان تصور کرد). (Muradian, 2019).

۲. از این رو، می‌توان این ایده نظری را «نظریه سخت‌گیری، قناعت یا وسواس مقدس» در کشورداری هم نام‌گذاری کرد.



خطر بیفتد، پول‌دارها پول‌دارتر شوند و فقرا فقیرتر؛ افرادی خاص بزرگ شوند و عده‌ای دیگر تحقیر شوند؛ منابع عمومی کشور در خطر نابودی قرار گیرند؛ وجه حکومت را در نزد عامه مخدوش سازد و سهم منابع بین‌المللی کشور در عرصه منابع بین‌المللی به مخاطره بیفتد، دارایی‌های کشورهای دیگر بلوکه شود؛ رابطه‌ای با کشور همسایه به مخاطره بیفتد و زیان‌های ناشی از آن گریبانگیر مردم و کشور شود؛ مدیران نباید افرادی را به استخدام درآورند که شایستگی تصدی پست دولتی ندارند، نباید بودجه‌های عمومی را بی‌محابا برای هرکاری تخصیص دهند، نباید فرایندها را چنان اصلاح کنند که وام‌های گرفته شده به خزانه برگشت داده نشود، در سطح امور جاریه کشور، هر کارمندی نباید در مصرف منابع عمومی، بودجه عمومی بی‌تفاوت باشد، سازمان را دچار مشکل کند، همکاران را عاصی کند، از اموال عمومی استفاده شخصی کند، نسبت به سلامت اموال عمومی حساس نباشد. نویسنده با غور در رفتار برخی از خط‌مشی‌گذاران، مدیران و کارکنان حکومت و دولت تلاش کرده است داستان نوعی پدیده رفتاری تحت‌عنوان «خساست مقدس» در کشورداری را مفهوم‌پردازی کند که اشاره به رفتاری حساس‌گونه، دقیق، عادلانه در «طراحی، تنظیم، اجرا، پایش و ارزشیابی خط‌مشی‌ها، راهبردها و اقدامات اجرایی» در «تولید، توزیع، تخصیص و مصرف منابع، سرمایه‌ها و بودجه عمومی» و در رفتارهای شغلی کارکنان حکومت و دولت دارد. در ادامه ضمن شرح زمینه‌سازان و دستاوردهای این رفتار مقدس و جلوات عینی آن رهنمودهایی برای خط‌مشی‌گذاران و مدیران و کارکنان دولت ارائه خواهد شد.

چیستی مقدس در خساست مقدس

به‌طور کلی واژه مقدس از قدس که در لغت به معنی پاکی و پاک می‌باشد، اخذ شده است. در یک نگاه کلی متداول وقتی امری مقدس تصور می‌شود که سوای مختصات فیزیکی‌اش آغشته به روح مذهبی یا معنوی باشد. هستار، مکان یا مفاهیمی که سوای خدمت یا ماهیت وجودیشان، الهام‌بخش مومنان به آن بوده و از احترام خاصی برخوردار هستند، مقدس تصور می‌شوند. به‌عنوان مثال از معیارهای مقدس بودن یک فرد و خانه و محل زندگی او، تلاش او برای به‌دست‌آوردن روزی حلال می‌باشد که منجر به پاکیزگی و دوری از پلیدی‌ها می‌شود. در



عین حال معیارهای مقدس بودن در قرآن بر پیوند امر مقدس با خداوند، پیامبران و اولیاء آن متمرکز هستند. اما در برخی موارد مقدس بودن برای توصیف امری استفاده می‌شود که برای تغییر اوضاع یا مداخله در شرایط عده‌ای حائز اهمیت بسیاری است. همین‌طور یکی از ویژگی‌های پدیده‌های مقدس احترام ویژه‌ای است که مردم به آنها قائل هستند. براین‌اساس اگرچه مفهوم مقدس بودن پیوند تنگاتنگی با باورها و اعمال مذهبی دارد ولی در یک فضای سکولار هم برای توصیف چیزهایی استفاده می‌شود که از اهمیت و ارزش بسیار والایی برخوردار است. با این حال، به‌طورکلی در متون دینی به‌خصوص دین مبین اسلام «امری مانند خدمت به خلق (بندگان خدا)» از آن جهت مقدس شمرده می‌شود که بر اساس قرآن کریم، احادیث و روایت بر «رسیدن به خدا از طریق خدمت به خلق» تأکید شده است.^۱ رهبران حکومت اسلامی ایران هم خدمت به خلق را محمل تقرب الهی می‌دانند.^۲ براین‌اساس منظور نویسنده از مقدس در این متن هم «مهم بودن عمل خساست در امر کشورداری در ساحت

۱. بر خدمت به خلق خدا، در فرهنگ قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام، ارزش و ثواب فراوانی مترتب است. در قرآن کریم آمده است؛ «إِنَّ اللَّهَ يُجِبُ الْمُحْسِنِينَ» (سوره بقره، آیه ۱۹۵): خداوند متعال کسانی را که کار خیر و نیک انجام می‌دهند دوست می‌دارد و چقدر خوب است که انسان محبوب خدا باشد. پس با خدمت و کمک به همدیگر می‌توان به رضایت الهی و لذت‌های جاودان آخرت رسید.

امام حسن عسکری علیه‌السلام هم می‌فرماید: «يَأْتِي عُلَمَاءُ شِيعَتِنَا الْقَوَائِمُونَ لَصُعْفَاءِ مُجِينِنَا وَ أَهْلِ وَ لَاتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَ الْأَنْوَارُ تَسْطَعُ مِنْ نِجَانِهِمْ عَلَى رَأْسِ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ تَاجٌ نَبَاهُ، قَدْ أَنْبَتَتْ تِلْكَ الْأَنْوَارُ فِي عَرَصَاتِ الْقِيَامَةِ؛ (تفسیر الإمام العسکری علیه‌السلام، ص. ۳۴۵، ج. ۲۲۶): «آن دسته از علماء و دانشمندان شیعیان ما که در هدایت و رفع مشکلات دوستان و علاقه‌مندان ما تلاش کرده‌اند، روز قیامت در حالی وارد صحرائی محشر می‌شوند که تاج کرامت بر سر نهاده و نور وی، همه‌جا را روشنایی می‌بخشد و تمام اهل محشر از آن نور بهره‌مند خواهند شد.»

امام حسن عسکری علیه‌السلام در جای دیگر می‌فرماید: «خَصَّنَانِ لَيْسَ فَوْقَهُمَا شَيْءٌ، الْأَيْمَانُ بِاللَّهِ، وَ تَفْعُّ الْأَخْوَانُ!» (تحف العقول، ص. ۴۸۹): «دو خصلت و حالتی که والاتر از آن دو چیز نیست، عبارت است از: ایمان و اعتقاد به خداوند، نفع رساندن به برادران دینی.» پس خدمت به خلق همچون ایمان به خدا باعث صعود انسان به مقامات معنوی و جلب رضایت خداوند متعال می‌شود.

۲. رهبری نظام در جایی فرموده‌اند: «خدمت به خدا» یعنی چه؟ خدا که به خدمت من و شما احتیاجی ندارد؛ «خدمت به خدا» یعنی خدمت به زندگی، خدمت به مردم، خدمت به خلق‌الله، خدمت به پیشبرد اهداف؛ این وظیفه‌ی اساسی ما است که در دعاها [هم] تکرار شده، گفته شده. آنچه ما به آن می‌گوییم «احسان به مردم»، بخشی از این خدمت به مردم است: إِنَّ اللَّهَ يَأْتُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ. خب، [در باب] این احسان، یک روایتی هست از کلام امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) که این را هم باز من از غررالحکم نقل می‌کنم؛ می‌فرماید: أَحَقُّ النَّاسِ بِالْإِحْسَانِ مَنْ أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْهِ وَ تَسَطَّرَ بِالْقُدْرَةِ يَدَيْهِ؛ (غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۸۷) همه باید احسان کنند، همه باید نیکوکاری کنند، خدمت کنند، اما آن که از همه شایسته‌تر است به این وظیفه آن کسی است که خدا به او قدرت کار داده، مثل شما. شما مدیرید؛ بعضی در اداره‌ی افکار مردم، بعضی در اداره‌ی کارهای مردم؛ این بسط ید است، این قدرت شما است. در جمهوری اسلامی، خدای متعال به مردم مؤمن این امکان را داده است که بر طبق آئین اسلام و بر طبق خواسته‌های اسلام بتوانند به مردم خدمت کنند؛ این بهترین فرصت است. پس این، مهم‌ترین کار ما است؛ مهم‌ترین مایه‌ی امتحان الهی ما است؛ و خدای متعال ما را امتحان می‌کند. (بیانات رهبری در جمع مسئولان ۱۴۰۲/۰۱/۱۵)



عمومی بودن و رتق وفتق امور عامه و هم ابتناء آن بر امر خداوند، ائمه و اولیاء او است زیرا بی‌تردید هدف عالی‌ه خداوند از بعثت انبیاء الهی و اعزام ائمه به کره خاکی، هدایت مردم در راستای دستیابی به نوعی زندگی مادی و معنوی با کیفیت با طعم و بوی خدایی بوده است^۱ و منظور از عمل خساست مقدس در اینجا یعنی «برخورد دقیق توأم با احترام بسیار بالا»، حساسیت نشان دادن و ممسک بودن خردمندانه نسبت به امر کشورداری (در ساحت حکمرانی، مدیریت و عملیات) که هم مورد احترام مردم است و هم مورد تأکید خدا، پیامبران و امامان. به عبارت ساده خساست افراد نسبت به منابع و سرمایه‌های عمومی کشور در ابعاد تولید، توزیع، تخصیص و مصرف (آنگاه که خط‌مشی‌ای اقامه می‌شود یا راهبردی علم می‌شود، یا کاری در عمل انجام می‌شود) یعنی برخورد محترمانه، مراقب‌گونه با بیت‌المال ملت، به نحوه‌ای که منابع و سرمایه‌های عموم در جای درست، زمان درست، راه درست، در قامت اهداف درست مصرف شود. این عمل مقدس است زیرا تجلی خوبی، پاکی و هدف‌جویی والا است. بر این اساس، همان‌طور که افراد نسبت به خرج بودجه و مصرف منابع خود به شدت حساس بوده و تلاش می‌کنند ارزان‌ترین راه و در عین حال با کیفیت‌ترین راه را برای رسیدن به اهداف خود برگزینند و به اصطلاح عامیانه در مصرف پول و اموال خود خسیس باشند، حاکمان، خط‌مشی‌گذاران، مدیران و کارکنان دولت نیز بایستی در مصرف امانت خود (یعنی بودجه و منابع عمومی) خست به خرج دهند، اگرچه خست امری مذموم تصور می‌شود همان‌طور که تکبر امری مذموم است ولی به‌نظر نویسنده، خساست در حفظ بودجه، منابع و سرمایه عمومی، می‌تواند مقدس تصور می‌شود زیرا «دقت و سواس‌گونه در توزیع تخصیص و مصرف منابع» امری قابل احترام، خوب، پاکیزه و بسیار مهم تصور می‌شود چون بر سرنوشت مردم و مسلمانان در جامعه اسلامی بسیار تأثیرگذار است همان مردمی که گفته می‌شود راه تقرب الهی خدمت به آنهاست. بر این اساس در جامعه اسلامی پاسداری از بیت‌المال مسلمین با دقت و حساسیت بالا امری محترم و حائز اهمیت توصیه شده، پس مقدس تصور می‌شود، زیرا هدفش احتراز از بخشیدن به ثمن بخش منابع عمومی، زایل کردن منابع بودجه عمومی و

۱. بعثت بدین معنا است که خداوند کسانی را به پیامبری برمی‌انگیزد تا وحی الهی را به انسان‌ها برسانند و هدایت آنان را به سوی کمال شایسته انسانی در دست گیرند. (پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۶: ۱۶۰).



پاسداری از امانتی تحت‌عنوان حق‌الناس است، از این رو در اسلام حق‌الناس و پاسداری دقیق از آن و رعایت آن عبادت تلقی می‌شود.^۱ و مطول‌ترین آیه قرآن در مورد حق‌الناس است (گفتاری از استاد قرائتی درباره حق‌الناس ۱۳۹۰-۹-۵ یادداشت پژوهی در تسنیم) پس در پاسداری از بیت‌المال باید خسیس بود. اگرچه این خساست در فضای مدیریتی متداول می‌تواند منفی تصور شود ولی «عمومی» بودن قیدی است بر «حکمرانی عمومی، اداره امور عمومی، انجام امور عمومی» که امانت بودن آن دقت‌مندی بسیار بیشتری از منابع خصوصی طلب می‌کند، به‌خصوص برای مسلمانان که «حق‌الناس» را امری مقدس می‌دانند و تجاوز به آن را «گناه بزرگی» تصور می‌کنند. باید توجه شود که حق‌الناس، فقط اختلاس، دزدیدن و اتلاف مال مردم نیست، بلکه بردن آبروی مردم نیز حق‌الناس است؛ حق‌الناس آبرویی، شدیدتر و زیان‌بارتر از حق‌الناس مالی است. چراکه مردم مال و جاه را برای آبرو می‌خواهند و اگر آبرو نباشد، مال و ثروت چه فایده‌ای دارد؟ پس خساست همیشه بر امساک در منابع مالی تأکید ندارد. براین‌اساس خساست در حفظ بیت‌المال نه در حد افراطی بلکه در حد معقول امری ممدوح و مقدس قلمداد می‌شود. به‌طور خلاصه خساست مقدس یعنی این که متولیان امر در عرصه حکمرانی (خط‌مشی‌گذاری)، مدیریت (راهبردگذاری)، عملیات (رویه‌گذاری) بی‌محابا تصمیم‌گیری نکنند، بی‌حساب و کتاب هزینه برای کشور نتراشند، سریع تسلیم سهم‌خواهی نشوند، آبروی افراد را مخدوش نکنند، نیروهای انسانی کشور را به سرعت از قطار انقلاب پیاده نکنند یا به گفته رهبری نظام: «جذب حداکثری و دفع حداقلی» داشته باشند، شائبه در دارایی‌های شخصی خود ناشی از امکانات دولتی در اختیار ایجاد نکنند، مو از ماست بکشند، نسبت به اموال، منابع، دارایی‌ها و بودجه عمومی حساس باشند، به شدت از داشته‌های عمومی

۱. امام صادق (ع) می‌فرماید: "مَا عِبَدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ أَدَاءِ حَقِّ الْمُؤْمِنِ" (الكافی، ج ۲، ص ۱۷۰): عبادتی بهتر از پرداخت حق‌الناس نیست. در عبادت‌ها عبادتی بالاتر از حق‌الناس نیست؛ امام جعفر صادق (علیه‌السلام) در جای دیگر می‌فرماید: "مَا عِبَدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ أَدَاءِ حَقِّ الْمُؤْمِنِ": هیچ عبادتی بالاتر از ادای حق مؤمن نیست. (بحار، ج ۷۴، ص ۲۴۲): امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) نیز می‌فرماید: "جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ حَقَّوْنَ عِبَادِهِ مُقَدَّمَةً لِحَقِّوْقِهِ": خداوند سبحان حقوق بندگانش را مقدمه رسیدن به حقوق خود قرار داده است. (فهرست غرر الحکم، ص ۷۷)؛



پاسداری و مراقبت کنند، یعنی در خرج کردن از جیب مردم «خسیس» باشند زیرا چنین خساستی مقدس است.

چیستی خساست مقدس در کشورداری

همانطور که گفته شده است فرآیند کشورداری دارای سه ساحت اصلی: حکمرانی، اداره امور عمومی و عملیات است. حکمرانی با اتکاء به خطمشی‌های عمومی، اداره امور عمومی در پرتو راهبردها و عملیات جاریه به کمک انواعی از رویه‌ها اهداف مورد نظر خود را دنبال می‌کنند. خساست در ساحت حکمرانی یعنی اقامه خطمشی‌هایی، تنظیم مقرراتی، تدوین استانداردها و برپایی نظام‌هایی از پاسخگویی - عملکرد که «بار اداری کمتری بر دوش مردمان کشور بر جای می‌گذارد» ولی مسائل بیشتری را حل می‌کند. در نتیجه مسائلی باید در دستور کار حکومت قرار گیرد که حل آن سرنوشت تعداد بیشتری از آحاد ملت را تحت تأثیر قرار می‌دهد، زیرا وقت و انرژی مقامات و خدمت‌گزاران صبغه عمومی دارد نمی‌شود در اتلاف وقت ملی گشاده‌دست بود و بی‌خیال. اگرچه مسائل عمومی صبغه ساخت اجتماعی دارند ولی خساست مقدس در خطمشی‌گذاری با دخالت دلسوزانه در ساحت اجتماعی مسائل، مسائلی را به گفت‌وگو حل ملی می‌کشاند که اوضاع و احوال تعداد بیشتری از افراد کشور را بهبود می‌دهد، یا تسکین می‌بخشد. همین‌طور خساست مقدس در خطمشی‌گذاری به دنبال کاهش بدیل‌هایی است که با کمترین هزینه بیشترین دست‌آورد را برای مردم به ارمغان بیاورد، یعنی در انتخاب بدیل‌های خطمشی سخت دقت می‌کند، حساب و کتاب خساست‌مندی در پیش می‌گیرد تا اوضاع بیشتری را به یمن منابع قلیلی بهبود دهد. ابزارهایی برای اجرای خطمشی‌های تنظیمی ابداع و تنظیم می‌کند که کمترین تعارضی با هم دارند و با سرعت بیشتری اهداف خطمشی‌ها را محقق می‌سازد. برای اجرای این خطمشی از راه انداختن دستگاه‌ها، سازمان‌ها، قرارگاه‌ها، گروه‌ها و مفت‌خواران اجرایی احتراز می‌کند، این نوع احتراز مقدس است. در پایش اجرای خطمشی‌های عمومی سخت‌گیرانه برخورد می‌کند. پایش قبل، حین و بعد از اجرا را متعهدانه پیگیری می‌کند و ارزشیابی خطمشی‌ها در نیل به اهداف خود را به دقت انجام می‌دهد و در نهایت اگر خطمشی‌های اجرایی در حال انحراف از مسیرند به موقع آنها را تغییر می‌دهد و در



شرایطی خاص اگر خط‌مشی‌هایی جز هزینه‌زایی چیزی برای مردم در بر ندارند آنها را خاتمه می‌دهند. به راحتی از حق مردم نمی‌گذرد.

خساست مقدس در اداره امور عمومی یعنی طراحی ساختارهایی در بخش دولتی که هزینه اداره کشور را کاهش می‌دهد، یعنی ساری و جاری کردن فرآیندهایی در ساختاری که بار اداری را بر دوش شهروندان کم می‌کند، یعنی به‌کارگیری فناوری‌هایی در تار و پود بخش دولتی که ضمن سرعت‌بخشی امور عمومی کشور هزینه‌های عمومی جامعه را کاهش می‌دهد، یعنی استخدام نیروهای انسانی در بخش دولتی با دقت و وسواس، احتراز از توصیه‌های استخدامی در بخش دولتی، پرهیز از تورم نیروهای انسانی در سازمان‌های دولتی، به هدر ندادن سرمایه‌گذاری‌ها در نیروی انسانی دولتی، بی‌جهت استخدام نکردن نیرو در سازمان‌های دولتی و حکومتی. همین‌طور در برقراری رابطه مناسب بین سیاست و اداره، خساست مقدس یعنی درجه‌ای از دخالت سیاست در اداره را باید جایز دانست که بار هزینه‌های عمومی بر جامعه را کاهش می‌دهد و منافع عمومی را پاسداری می‌کند. خساست مقدس در پاسداری از فرهنگ اداری بخش دولتی یعنی ترویج ارزش‌ها، باورها و نمادهایی در بخش دولتی که باعث ارتقاء منافع عمومی و حفظ منابع عمومی می‌شود. پس خساست مدیران دولتی در ساحت ساختار، فرآیند، منابع انسانی، فناوری، فرهنگ، رابطه سیاست- اداره آنجایی مقدس تصور می‌شود که رفتار آنها منابع عمومی را به‌شدت پاسداری کند. این خساست از آن جهت ممدوح است که منشاء حفظ، بهره‌برداری بهنگام و درست و آینده‌نگرانه در تولید، مصرف منابع، سرمایه‌ها و بودجه عمومی است و از آن جهت که پاسدار امانت عمومی است مقدس قلمداد می‌شود. همان‌طور که گفته شد این نوع خساست از آن جهت مقدس است که «محترم بوده و عملی پاک محسوب می‌شود و برای پاسداری از منافع عمومی کشور از اهمیت والایی برخوردار است و بر اوضاع و احوال مردم تأثیرگذار است». خساست مقدس در مورد رفتار کارکنان دولت نیز صادق است. او باید در زمان، انرژی و هزینه‌های عمومی در انجام امور محوله به‌عنوان مستخدم دولت خسیس باشد (یعنی چراغی به ناروا روشن نمی‌کند، لامپی نابهنگام روشن نمی‌کند، برگ کاغذی به ناروا مصرف نمی‌کند، کالایی به ناروا خریداری نمی‌کند، مسافتی به ناروا با وسیله حمل‌ونقل عمومی طی نمی‌کند و ...).



جلوات عینی خساست مقدس در کشورداری

خساست مقدس در عرصه حکمرانی ملی وقتی رخ می‌دهد که «نمایندگان مجلس با توجه به تعداد نیروی انسانی مشغول به کار در دولت و تعداد نیروی کار مورد نیاز و تعداد افرادی که هر ساله بازنشسته می‌شود، دولت را بر اساس خط‌مشی‌ای مکلف به استخدام نیروهای انسانی جدید می‌کند نه این که بر اساس سهم‌خواهی حزبی و جناحی و جلب رأی رأی‌دهندگان، ۵۰۰ هزار نیرو را به سازمان‌های دولتی تزریق می‌کند بدون اینکه دولت بتواند تعداد معادل را از نیروهای فعلی دولت بکاهد یا معادل آن بازنشسته شده باشند». خساست مقدس در خط‌مشی‌گذاری عمومی یعنی این که «خط‌مشی رتبه‌بندی معلمان طوری تنظیم شود که هزینه‌های عمومی کشور را به بهای ارتقاء کیفیت آموزش و پرورش دانش‌آموزان افزایش دهد نه صرفاً حقوقی به حقوق معلمانی افزوده شود که سال‌ها در مدیریت معیشت خود مانده‌اند و افزایش جدید حقوق صرفاً آن‌ها را به سطح عادی از اقتصاد زندگی برمی‌گرداند که اگر تورم کنترل شود برای چند صباحی وضعیت جدیدی را تجربه می‌کنند». خساست مقدس در خط‌مشی‌گذاری عمومی در عرصه «پرداخت یارانه‌ها» یعنی «این خط‌مشی به تولید نقدینگی به‌عنوان منشاء تورم کمک نکند و از طرف دیگر شرایط زندگی را برای مردم بهتر کند، نه این که ۴۸ هزار تومان در ماه واریز به حساب شهروندان شود و با افزایش بهای آب، برق، گاز و ... چند برابر آن را از شهروندان دریافت کرد». خساست مقدس در خط‌مشی‌گذاری یعنی «وزیر را به‌خاطر اینکه سهمیه خودرو به نمایندگان اختصاص نداده استیضاح نکنند»، خساست مقدس در خط‌مشی‌گذاری یعنی «اجازه بدهیم همه کسانی که در کشور حق شرکت در انتخاب کردن شغل مقدس معلمی دارند مشمول جذب در آموزش و پرورش شوند نه این که خط‌مشی‌ای محرمانه ابلاغ شود که عده‌ای خاص مشمول جذب در آموزش و پرورش شوند». خساست مقدس در «خط‌مشی برون‌سپاری امور در سازمان‌های دولتی یعنی واگذاری امور به پیمانکارانی با کیفیت در عرصه‌های خدماتی (برای مثال نظافت، آشپزخانه، ایاب و ذهاب، فضای سبز و ...)، یعنی واگذاری پروژه‌های عمرانی به افرادی که پول ملت را در حد بهینه مصرف می‌کنند نه این که به سفارش نمایندگان مجلس، وزراء یا سایر مسئولان کشوری یا لشکری پروژه چند میلیاردی بدون برگزاری مناقصه به افرادی خاص واگذار می‌شود». خساست مقدس در



خط‌مشی‌گذاری عمومی آموزش عالی «یعنی این که اجازه ندهی با رشد قارچ‌گونه دانشگاه‌هایی بازاری، چوب حراج بر عالی‌ترین سطح کسب دانش متعارف کشور زده شود». برخی از نمونه‌های عینی را می‌توان در روزنامه و نشریات و اخبار صدا و سیما دید که تجلی حساسیت به بیت‌المال و نمونه‌های عینی حساست مقدس در کشورداری است^۱.

حساست مقدس در اداره امور عمومی یعنی به «دانشگاه‌های بازاری اجازه ندهی مدرک عالی‌ترین سطح تحصیلات تکمیلی را به بهای اخذ پول مصادره کنند». حساست مقدس در اداره امور عمومی یعنی «پروژه‌های ناتمام کشور را به پایان رسانیدن و احتراز از افتتاح آغاز پروژه‌های جدید برای جلب رأی». حساست مقدس یعنی این که در واگذاری شرکت‌ها و دارایی‌های دولت ارزش واگذاری کم برآورد نشود، کارخانه دارای ارزش چند صد میلیاردی به دوستان هم باندی به چند ده میلیاردی فروخته نشود؛ حساست مقدس در اداره امور عمومی یعنی «اجازه داده نشود فرودگاهی در شهری برپا شود که اقتصادی نیست، دانشگاهی در شهری افتتاح شود که دانشجو ندارد، بیمارستانی در شهری برپا شود که پزشکی ندارد، رشته‌هایی در دانشگاه‌ها دایر نشوند که مشاغلی در کشور برای آنها وجود ندارد، ساختاری در سازمان‌های دولتی یا شرکت‌های دولتی طراحی نشود که نماینده مجلس بازمانده از مجلس در آن جای گیرد، فرآیندی در امور اداری تعبیه نشود تا عده‌ای از ورود به دولت منع شوند، با وجود کارکنان مازاد در سازمان‌های دولتی، نیروی شرکتی به‌عنوان نگهبان وارد سازمان نشوند و در ادامه به‌عنوان کارشناس پشت میز اداره سازمان دانشگاهی جلوس نکنند و سپس با اخذ مدرکی

۱. سازمان بازرسی مانع واگذاری سهام دولت از سوی «پتروشیمی باختر» شد/ بازگشت ۱۹۰۰۰ میلیارد تومان به بیت‌المال (خبرگزاری نسیم ۱۸ شهریور ۱۴۰۲ - ۱۴:۱۶)؛ ورود سازمان بازرسی به واگذاری پتروشیمی خلیج‌فارس: سازمان بازرسی کل کشور طی نامه‌ای خواستار تجدیدنظر در واگذاری بلوک ۱۲ درصدی شرکت هلدینگ صنایع پتروشیمی خلیج‌فارس در بازار بورس شد. (۱۴۰۰ خبری: ۵۷۴۶۱-۱۴۰۱-۱۰-۰۱: ۱۱:۲۹). به این عبارات توجه کنید: دهه بازگشت هزاران میلیارد به بیت‌المال: اقدامات قوه قضاییه: بازگشت بیش از ۳ هزار میلیارد از اختلاس ۳ هزار میلیاردی؛ برگشت ۱۸۰۰ میلیارد در پرونده بابک زنجانی؛ بازگشت بیش از ۴ هزار میلیارد از تعاونی‌های اعتباری؛ بازگشت ۳۰ هزار میلیارد تومان مالیات معوق؛ بازگشت ۳۰ هزار میلیارد تومان از وام‌های معوق؛ بازگشت ۷۰۰ میلیارد تومان از «مش قربانعلی»؛ ده‌ها هزار میلیارد تومان دیگر در بازگشت اراضی؛ (روزنامه خراسان ۱۴۰۰/۰۲/۲۱)؛ مدیر کل تعزیرات گیلان خبر داد؛ بازگشت بیش از ۲۸ میلیارد ریال ارز به بیت‌المال (۹ شهریور ۱۴۰۰، ۱۱:۳۰)؛ دادستان اراک: ۸۰۰ میلیارد ریال معوقه‌های بانکی به بیت‌المال برگردانده شد (۲۹ خرداد ۱۳۹۳، ۱۵:۴۴)؛



از دانشگاه‌های بازاری به یمن توصیه‌های سیاسی به‌عنوان عضو هیئت علمی به‌کار گرفته نشوند، همراهانی به‌عنوان همراه رئیس‌جمهور، رئیس‌مجلس، وزراء در سفرهای خارجی با پول ملت به تفریح در نیویورک نپردازند، شرکت‌های دولتی به محملی برای جبران خدمات به اعضا ستاد هبه نشوند و میلیاردها ریال سرمایه‌گذاری کنند ولی سالانه ۵ میلیارد بازده درو کنند، مجوزی برای تأسیس بانک‌هایی ندهند که «از هیچ، پول خلق کنند» و از قبل آن ۳۰۰۰ واحد مسکونی انبار کنند و مردم کشور را به بی‌پناهی محض دچار کنند. حساسیت مقدس در اداره امور عمومی یعنی «این که معاون یک رئیس‌جمهور از بیم کنار رفتن از پست سیاسی خود مجوز تزریق کارکنان جدید به دستگاه‌های دولتی و عمومی کشور بدون توجیه صادر نکند، افزایش حقوق کارکنان دستگاهی خاص در بخش دولتی را بدون توجیه نپذیرد، توصیه نمایندگان مجلس، وزراء و ... به جذب نیروی جدید یا اعطاء پست سازمانی جدید به دستگاه‌های دولتی و اداری کشور که هزینه‌های هنگفتی بر آحاد مردم می‌گذارد نپذیرد و توصیه‌ها را در پوشه‌ای بایگانی کند، اجازه فعالیت غیر مجاز در فضای مدیریتی و اداری کشور به سازمان‌های فاقد شایستگی ندهد». حساسیت مقدس در اداره امور عمومی یعنی «اجازه ندهید فردی به‌عنوان هیئت علمی دانشگاه به‌کار گرفته شود که حداقل شایستگی‌های لازم را ندارد ولی توصیه‌های سیاسی قوی آن را توصیه می‌کنند»، حساسیت مقدس در اداره امور عمومی یعنی «بیت‌المال مردم ابزار مطرح شدن برای اغراض سیاسی، ورود به مجلس، ارتقاء به پست‌های بالاتر، تقویت اقوام، همسایگان و دوستان و همشهریان و هم‌جناسی‌ها قرار نگیرد».

حساسیت مقدس در مقام کارمند دولت یعنی «در هنگام کار در سازمان دولتی سهام معامله نشود، آب تصفیه سازمان دولتی برای مصرف خانواده استفاده نشود چون کارمند در خانه دستگاه تصفیه ندارد، از پول سازمان برای میهمانان پذیرایی افراطی نشود، آبروی همکار مخدوش نشود، از پاکت‌های نامه سازمان برای دوستان پیام تسلیت ارسال نشود، از تلفن سازمان برای مقاصد شخصی استفاده نشود، بدون انجام کاری تقاضای اضافه کار نشود، اتاق کار خود به فرزند خود اختصاص داده نشود تا برای شرکت در کنکور آماده شود، برای ضربه زدن به همکار دست به تخریب زده نشود». اگر بخواهیم بدانیم آیا این رفتار (یعنی حساسیت مقدس) در فعل خط‌مشی‌گذاران، مدیران و کارکنان دولت وجود دارد یا خیر باید با ابزارهایی



مشخص کرد که آیا: خط‌مشی‌گذاران در شناسایی مسائل نیازمند به خط‌مشی عمومی، در صورت‌بندی بدیل‌های خط‌مشی، در تمهیدات اجرا، در پایش خط‌مشی‌ها، در ارزیابی عملکرد خط‌مشی عمومی، منابع عمومی، بودجه عمومی، آینده کشور، وضعیت مردم، موفقیت یا شکست سایر خط‌مشی‌ها، هویت و آبروی کشور را با وسواس، با دقت کامل، با حساب و کتاب آینده‌نگارانه، با حساسیت کامل مدنظر قرار داده‌اند یا خیر. این حالت در مورد وضع مقررات و استانداردها و سبک و سیاق‌های پاسخگویی از عملکرد زیردستان هم صادق است. همین‌طور آیا مدیران دولتی در برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت و کنترل برنامه‌های اجرای خط‌مشی‌های عمومی، راهبردها را «با حساسیت کامل، با دقت و وسواس، با حساب و کتاب، و سخت‌گیرانه تدوین کرده‌اند یا خیر؟ و در نهایت آیا کارکنان مستقر در سازمان‌های دولتی کارها، وظایف و امور محوله را با وسواس، با حساب و کتاب آینده‌نگارانه انجام می‌دهند یا خیر؟

بایستی توجه داشت که میزان ارزیابی حساسیت مقدس در رفتار خط‌مشی‌گذاری، مدیران و کارکنان صبغه برداشتی دارد که می‌تواند از جانب مردم و مراجعه‌کنندگان یا حتی برداشت خود خط‌مشی‌گذاران، مدیران و کارکنان از همدیگر باشد.

زمینه‌سازان شکل‌گیری حساست مقدس در خط‌مشی‌گذاران، مدیران و کارکنان دولت

۱- *زمینه‌سازان دانشی و بینشی*: برای شکل‌گیری حساست مقدس در مستخدمان حکومت و دولت بایستی دانش و بینش لازم نسبت به پدیده کشورداری در آنها وجود داشته باشد. براین‌اساس خط‌مشی‌گذاران، مدیران و کارکنان دولت قبل از ورود به حکومت و دولت باید دوره‌های آموزشی لازم را گذرانده باشند وگرنه کسی که در رشته مدیریت بازرگانی، صنعتی، فناوری اطلاعات، ادبیات فارسی، عربی، زبان انگلیسی، جغرافیا و ... علوم مهندسی، علوم پایه، پزشکی و علوم غریبه آموزش دیده و آشنا نیست که فلسفه حکومت، دولت به‌طوراعم و به‌طوراخص در نگاه اسلامی



چیست؟ منفعت و مصلحت عامه به چه معناست؟ نمی‌داند که معنای شغلش «خدمتگزار عمومی» (public servant) است؛ حکمرانی، مدیریت اداره امور عمومی چیست؟ با مفهوم «عمومی» در عبارات حکمرانی عمومی، اداره امور عمومی، امور عمومی آشنا نیست چگونه می‌تواند امور عمومی را در قامت «خط‌مشی‌گذار، مدیر دولتی و کارمند دولت» انجام دهد. براین اساس کسی که پستی را در حکومت (به‌طورخاص اسلامی) تصدی می‌کند که فلسفه، عمل و شیوه‌های تحقق آن را نمی‌داند، بی‌تردید نمی‌تواند پاسدار خوبی برای منابع و منافع عمومی کشور باشد. از این رو در متون اسلامی هم پذیرفتن کاری از جانب فرد مسلمان که شایستگی آن را ندارد مضموم شمرده شده است.^۱ این نکته در کلام رهبری کشور هم به چشم می‌خورد.^۲ براین اساس برای شکل‌گیری تعهد به منافع ملی و خساست مقدس در خط‌مشی‌گذاران، مدیران و کارکنان دولت، آموزش کشورداری می‌تواند منشاء تولید

۱. رسول خدا صلی الله علیه و آله در مذمت فردی که مسئولیتی را بدون داشتن شایستگی لازم می‌پذیرد، فرمود "مَنْ تَوَلَّى عَمَلًا وَ هُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ لَيْسَ لَهُ بِأَهْلٍ، فَلْيَتَّبِعْهُ مَقْعَدُهُ مِنَ النَّارِ!" یعنی هر که ریاست و مسئولیتی را بپذیرد و بداند که اهلیت آن را ندارد، در قبر و قیامت جایگاه او پر از آتش خواهد شد. (الذہبی، ج ۱۰۱-۱۲۰، ص ۲۸۵)؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله در روایتی دیگر فرمود "مَنْ تَقَدَّمَ عَلَى قَوْمٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَ هُوَ يَرَى أَنَّ فِيهِمْ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنْهُ فَقَدْ خَانَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الْمُسْلِمِينَ!" یعنی هر که جلودار - مسئول - عده‌ای از مسلمانان شود، در حالی که می‌داند در بین مسلمین فردی بهتر از او وجود دارد، پس خائن به خدا، رسولش و مسلمانان خواهد بود.

۲. نگاه اسلام به زمامداران و مسئولان جامعه، بسیار سخت‌گیرانه است، چنان نیست که قبول مسئولیت امتیازی ویژه قلمداد شود و مردم از هر سو برای رسیدن به آن بشتابند. مسئولیت در اسلام، امانتی الهی است. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در نامه‌ی ۵ نهج‌البلاغه خطاب به اشعث بن قیس - از کارگزاران حضرت در منطقه آذربایجان - این‌گونه می‌فرماید: "وَ إِنَّا عَمَلَك لَيْسَ لَكَ بِطَعْمَةٍ وَ لَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ!"

یعنی حکمرانی برای تو طعمه نیست بلکه امانتی بر عهده‌ات است، رهبرانقلاب در این باره خطاب به مسئولین می‌فرمایند: «مسئولیت و منصبی که در نظام اسلامی داری، طعمه و سرمایه و کاسبی نیست - اشتباه نشود - مسئولیت در نظام اسلامی باری بر دوش انسان است که باید آن را به خاطر هدف و نیّتی تحمل کند». (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۲۵/۰۹/۱۳۷۹). برداشت صحیح از مسئولیت اسلامی این‌چنین است. وقتی انسان نگاه امانت‌دارانه به مسئولیت داشته باشد، ابتدا باید قدرت پذیرش امانت و عمل به تعهدات آن را در خود ببیند و سپس خود را در معرض قبول مسئولیت قرار دهد، «بعضی‌مان این جور هستیم - به مجرد اینکه یک مستندی، یک جایی، یا خالی می‌شود یا ممکن است خالی بشود، فوراً چشم میدوزیم که برویم آنجا! خب شما اول نگاه کن ببین میتوانی یا نمیتوانی». (بیانات پیش از آغاز جلسه درس خارج فقه درباره ثبت‌نام افراد در انتخابات مجلس ۱۰/۰۹/۱۳۹۸).



دانش و بینش لازم تصور شود. کسی که بدون «سواد کشورداری وارد حکومت و دولت می‌شود» مومن به اهداف عالی حکومت اسلامی نیست، هرچند ممکن است دلسوز باشد زیرا هر کاری برای انجام نیازمند دانش و بینشی است که بی‌تردید بدون آن کارها در پرتو شعور متعارف انجام خواهد شد نه بر اساس دانش تایید شده که ممکن است نتیجه آن اقامه خط‌مشی‌هایی باشد که آینده کشور را تاریک سازد، مردم را ناامید کند و منابع عمومی را هدر دهد، یا نتیجه آن راهبردهایی باشد که خسران جبران‌ناپذیری بر یک کشور تحمیل کند، یا نتیجه آن انجام غلط امور محوله‌ای باشد که منجر به نارضایتی و بی‌اعتمادی عامه مردم نسبت به حکومت شود. در نتیجه پذیرش مسئولیت در دولت و حکومت بدون سواد کشورداری خیانت به یک ملت است و «ریسک آبروریزی» حکومت را به شدت بالا می‌برد زیرا چنین افرادی احتمال این که خط‌مشی‌ای وضع کنند که نه تنها قاچاق ارز در پستوهای خانه‌های شهروندان را کاهش ندهد، بلکه به افزایش آن دامن زند، نه تنها قاچاق کالاها را کم نکند بلکه به افزایش آن منجر شود، نه تنها ارزش پول ملی را بالا نبرد بلکه ارزش آن را فروکاهد، نه تنها حجاب و عفاف ملی را تقویت کند بلکه به کاهش آن دامن زند، نه تنها مصرف بنزین را کم نکند بلکه قاچاق آن را کماکان افزایش دهد، نه تنها مسکن را ارزان نکند بلکه آن را دچار تورم نجومی کند، نه تنها دانش و علم را در کشور ارتقاء ندهد، بلکه عالی‌ترین درجه علمی در کشور را مصادره به شهریه کند، فرهنگ ملی - اسلامی را در شهرها و روستاها مخدوش سازد، زیرا احتمال این که راهبردهایی اقامه کنند که پروژه‌های نیمه‌تمام ملی در سراسر کشور لحظه‌به‌لحظه افزایش یابند، کارکنان از کار کردن در بخش عمومی مقدس متنفر شوند، بودجه‌های عمومی جابه‌جا استفاده شوند، شرکت‌های دولتی خلوت‌گاه هواداران حزبی شود، سرمایه‌گذاری‌های چند صد میلیاردی به سود سالانه چند ده میلیاردی منجر شود، شهروندان را با مشت و لگد از سازمان خود به بیرون پرت کند، فرآیندهای کاری را چنان مطلوب سازد که تصویر دولت و حکومت را مخدوش شود، بازنشسته‌های دولت را به کار برگرداند و جوانان متعهد و پرنرژی را از ارتقاء به پست‌های بالاتر باز دارد، برای هواداران حزبی وام‌های نجومی جور کند، ارتقاءها و انتصابات اداری را



سیاست‌زده کند و برای اقوام، دوستان و همشهریان خود پست‌هایی دست‌وپا کند؛ زیرا احتمال دارد کارکنانی که از سواد کشورداری برخوردار نیستند، ارباب رجوع را، شهروندان را صاحب مملکت نداند و او را درگیرودارهای اداری گرفتار سازد، اموال عمومی را مراقبت نکند، درصدی از وام‌های اعطایی را از آن خود کند، اگر کاری برای مستحقی انجام می‌دهد سهم‌خواهی کند، اگر دولت می‌خواهد دانشگاهی، سازمانی، شرکتی را در یک شهر استقرار دهد بر سر انتقال آن به شهر خود لابی کند، به عمد و از روی نیت نخواهد کاری برای شهروندان انجام شود، دچار بیکاری پنهان باشد ولی از دریافت حقوق بدون کار لذت ببرد، راهبردهای سازمانی را نادیده بگیرد و بر سر انجام امور توسط دیگران مانع‌تراشی کند یا همگان را به زیرکاردرویی نظامند دعوت کند. بی‌تردید عمل چنین افرادی ریسک آبرو و اعتبار یک کشور، یک بخش، یک سازمان یا یک شغل مقدس عمومی را افزایش می‌دهد زیرا بدون دانش پیشین، کاری درست انجام نمی‌شود. هر کاری بر دانشی ابتناء دارد چه دانشی مبتنی بر شعور متعارف، چه دانش آکادمیک، موفقیت اولی امری تصادفی است ولی دومی مبتنی بر دقت‌مندی آکادمیک است، از این رو کسی که نظریه کار را نمی‌داند لاجرم آن کار را نمی‌تواند خوب انجام دهد.

۲- **پیش‌آیندهای شخصیتی و فردی:** در بسیاری از کشورهای جهان مراکزی به‌عنوان «کانون‌های ارزیابی» وجود دارند که افراد علاقه‌مند برای ورود به بخش دولتی پس از گذراندن آزمون‌های خاص ارزیابی می‌کنند و کیفیت آنها برای ورود به عرصه کشورداری را محک می‌زنند زیرا بخش دولتی ماهیتی متفاوت با بخش خصوصی دارد پس افراد خاص خود می‌طلبند (Kernaghan, & Langford, 1990, Mulgan, 2000). رابرت دنهارت در کتاب در جستجوی معنای خود (Denhardt, 1993)، از مدیران موفق دولتی برخی کشورها می‌پرسد رمز موفقیت شما چه بوده است؟ آنها در پاسخ به این پرسش پنج راهبرد را زیربنای موفقیت خود می‌دانند که اصلی‌ترین آن این بود که: «ما خود را وقف خدمت به مردم کرده‌ایم»، ما خدمت به هم‌نوعان خود را دوست می‌داریم اگرچه با کار در بخش خصوصی حقوقی چند برابر می‌توانیم دریافت کنیم.



براین اساس بخش دولتی چه در ساحت حکمرانی، چه در بعد مدیریتی و چه در کارهای تخصصی افرادی می‌طلبد که:

- ۱- نسبت به ارزش‌های مصرح در قانون اساسی کشور حساسیت دارند؛
- ۲- امانت‌دار متعهد هستند زیرا همه پست‌های دولتی امانت عمومی است که برای مدتی به افراد واگذار می‌شوند؛
- ۳- مردم‌دوست و با گذشت هستند؛ زیرا می‌دانند که پست آنها متعلق به مردم است و آنها خادم مردم هستند؛
- ۴- از کبر اداری و تبختر شغلی حذر می‌کنند زیرا معتقدند مستخدم در برابر ارباب بایستی متواضع، فروتن و مودب باشند؛
- ۵- تبعیت‌پذیری از قوانین عمومی را اخلاقی می‌دانند زیرا چنین قوانینی به صورت دموکراتیک (و در کشور ما بر ارزش‌های اسلامی نیر استوار است) وضع شده‌اند؛
- ۶- دارای «انگیزه خدمات عمومی» بالایی هستند زیرا خدمت به عامه مردم را، امری مقدس می‌دانند که در متون دینی فراوان به آنها توصیه شده است؛
- ۷- پایبند به اصول حرفه‌ای هستند زیرا رمز موفقیت خود را در انجام کارهای تخصصی خود و در احترام به همکاران، ارباب‌رجوع و مافوق‌های خود می‌دانند؛
- ۸- از رفتارهای پرخاشگرانه نسبت به شهروندان، همکاران و مافوق‌های خود احتراز می‌کنند زیرا فضای عمومی را فضای مهربانی و عطوفت می‌دانند؛
- ۹- از ویژگی اندیشیدن موشکافانه برخوردارند زیرا نسبت به جزئیات کار خود و توفیق در کار بسیار حساسیت دارند؛
- ۱۰- دچار حساسیت مقدس در خط‌مشی‌گذاری، راهبردها و تنظیم رویه‌های کاری در بخش دولتی هستند زیرا پاسداران منابع عمومی هستند.

دستاوردهای حساست مقدس در کشورداری

هر پدیده‌ای رفتاری را می‌توان بر روی طیفی از حالت کم تا حالت افراطی ترسیم کرد. برای مثال پدیده تعارض در سطح ملی، سازمانی و تیمی را در نظر بگیرید. تضارب یا تعارض



افراطی جامعه، سازمان یا تیم را از حرکت سازنده باز می‌دارد و تضارب آراء یا تعارض کم نوعی رکود یا بی‌حرکتی بر کشور، سازمان یا تیم مستولی می‌سازد. میزانی از تعارض که عملکرد کشور، جامعه یا سازمان یا تیم را ارتقاء می‌دهد تعارض سازنده نام‌گذاری کرده‌اند (هچ ۴۷۵: ۲۰۱۸). این نکته در مورد خساست به‌عنوان یک پدیده رفتاری در عرصه حاکمیتی، مدیریتی یا کاری تخصصی نیز صادق است. خساست مقدس، خساستی است رفتاری که کیفیت خط‌مشی‌ها، راهبردها و رویه‌های کاری در بخش حکمرانی، مدیریت دولتی و امور جاریه کشور را به‌صورت پویا حفظ می‌کند. بنابراین خساست مقدس در خط‌مشی امور خارجه یا به اصطلاح متداول سیاست خارجه به این معنا نیست که «فرآیند مذاکرات بین‌المللی» یک کشور چنان درگیر وسواس و دقت‌مندی افراطی شود که سال‌ها به درازا بینجامد و فرصت بهره‌مندی از غنای آن از دست برود و نه هم به معنای تصمیم‌گیری چند دقیقه‌ای قوای سه‌گانه کشور در مورد یک خط‌مشی حیاتی در عرصه بین‌المللی است طوری که یک طرف همه تعهدات خود را انجام دهد ولی طرف دیگر از زیر بار تعهدات خود شانه خالی کند. خساستی که در کشورداری مقدس تصور می‌شود که هزینه‌های حکمرانی، مدیریت و امور جاریه کشور را در حد بهینه و حساب شده‌ای مصرف می‌کند، از این رو منابع عمومی و ملی که متعلق به همه مردم است به دقت محترم شمرده و حفظ می‌شود. بر این اساس خط‌مشی‌گذاران به شدت نگران هزینه‌های خط‌مشی‌های خود هستند، مدیران به شدت نسبت به هزینه‌های تحمیلی راهبردهای خود بر جامعه دغدغه دارند و کارکنان دولت از ویژگی مراقبه نسبت به تأثیر رفتار خود بر منابع و سرمایه‌های عمومی برخوردارند. به عبارت ساده مستخدمان عمومی (چه در قامت خط‌مشی‌گذار، چه مدیر و چه کارکنان) برای هر رفتار تصمیمی خود به دقت حساب‌گرند، به وسواس مراقبند تا منابع عمومی در جای دقیق خود، در زمان مناسب خود و به سیاق مناسب خود مصرف شود. چنین رفتاری تبعات متعددی در سطح ملی، سازمانی و فردی دارد که می‌توان به برخی از آنها به شرح ذیل اشاره کرد.

پیامدهای اقتصادی: حفظ خساست مقدس در خط‌مشی‌گذاری‌ها، وضع راهبردها و تنظیم رویه‌ها بار هزینه‌ای کشور را در حد مناسبی نگه می‌دارد و بودجه‌های عمومی در جای مناسب خود و به روشی مناسب و در زمان مناسب مصرف خواهد شد. بدین ترتیب منابع عمومی کشور برای نسل‌های آتی باقی می‌ماند و ناترازی بودجه کاهش پیدا می‌کند، حاکمان مجبور به



اجرای خط‌مشی‌های پنهانی نمی‌شوند و کشور در رقابت با سایر کشورها قدرت رقابت پیدا می‌کند زیرا حساست مقدس مانع رخ دادن اختلاس‌های هزار میلیاردی در دستگاه‌های کشوری و غارت اموال عمومی در قالب پروژه‌های خصوصی‌سازی یا انتصاب افراد بی‌تخصص و بی‌تعهد به‌عنوان خط‌مشی‌گذار و مدیر در شرکت‌های دولتی یا انتصاب به‌عنوان استاندار، فرماندار یا بخشدارانی می‌شود که صرفاً در ستادهای انتخاباتی رئیس‌جمهور فعال بوده‌اند می‌شود و اجازه نمی‌دهد نیروهای انسانی بی‌کیفیت در دستگاه‌های دولتی به‌کار گرفته شوند و در نتیجه مانع تورم هزینه‌های حقوق و دستمزد در سازمان‌های حکومت و دولت می‌شود.

پیامدهای سیاسی: حفظ حساست مقدس در کشورداری ریسک‌های سیاسی خط‌مشی‌ها، راهبردها و اقدامات جاریه کارکنان دولت را کاهش می‌دهد، یعنی مشارکت مردم در عرصه‌های همکاری با حکومت، همراهی مردم در پرداخت مالیات، مشارکت مردم در اجرای خط‌مشی‌های عمومی را تهدید نمی‌کند بلکه غنا می‌بخشد. اعتماد عمومی به حکومت را ارتقاء می‌دهد و پیوند سیاسی مردم با حکومت را تقویت می‌کند. از طرف دیگر حساست مقدس حاکمان و خط‌مشی‌گذاران و مدیران طمع‌ه دست‌اندازی به بیت‌المال مردم را در اذهان خواهانی که صرفاً برای برای برداشتن سهم خود از سفره انقلاب وارد عرصه سیاسی می‌شوند را کاهش می‌دهد زیرا پیشاپیش می‌دانند که در این کشور دستبرد به خزانه ملت خیلی سخت است زیرا قفل و زنجیری که بر درب ورودی آن زده شده سخت است که به‌راحتی باز شود، در نتیجه هرکسی برای تجربه هوا و هوس سیاسی و لذت بردن از شهوت سیاسی وارد عرصه سیاسی نمی‌شود.

پیامدهای روانشناختی: حساست مقدس در کشورداری روح امید، عزت نفس، باور به دولت‌مندی را در آحاد ملت افزایش می‌دهد. شادی و نشاط ملی را رقم می‌زند زیرا ملتی که حاکمان آن دچار حساست مقدس می‌شوند کمتر ملت را بدهکار می‌کنند و بیشتر مردم را نوید خدمت‌های بیشتری می‌دهند، مالکیت روانشناختی شهروندان به کشور، حکومت و دولت را ارتقاء می‌دهند زیرا یقین دارند حاکمانشان، خط‌مشی‌گذارانشان، مدیرانشان و کارکنان دولتشان نسبت به «پول و منابع ملت» خود حساس هستند و مراقب آنها هستند. البته اگر بتوانند دوران‌دیشی حساب شده را در مردم خود ایجاد کنند و وعده‌های توخالی ندهند.



پیامدهای اجتماعی - فرهنگی: خساست مقدس در کشورداری «فرهنگ شهروند فاضل بودن» در جامعه را شکل می‌دهد زیرا مردم می‌دانند که حاکمان آنها نسبت به مردم، منابع آنها و اموال آنها حساس هستند و به شدت از آنها مراقبت می‌کنند، پس آنها نیز خیابان‌ها را، ساختمان‌ها، درختان را، هموطنان خود را، شغل خود را، کار خود را طوری پاسداری می‌کنند که رفتار خساست مقدس حکمرانان، مدیران و کارکنان را تقویت کنند. شهروندان فاضل حاصل خط‌مشی‌ها، راهبردها و اقدامات فاضلانه متولیان امور عمومی هر کشوری هستند. بنابراین خساست مقدس مسئولان کشور، فضای اجتماعی و فرهنگی کشور را به سمت همدلی، خیرخواهی، تشریک مساعی بین مردم، اعتماد اجتماعی و همکاری مستمر مردم و حکومت سوق می‌دهد.

نتیجه‌گیری

بی‌تفاوتی نسبت به منابع و سرمایه‌های ملی هر کشور را می‌توان در خط‌مشی‌ها، راهبردها و رویه‌های حاکم بر جامعه دانست که با «دقت و وسواس دلسوزانه» برپا نشده‌اند. کسانی که عهده‌دار هدایت جامعه به سمت اهداف مصرح در قانون اساسی کشور هستند بایستی در تصمیم‌گیری‌ها در عرصه خط‌مشی‌گذاری، راهبردی‌گذاری و رویه‌گذاری خساست مقدس را سرلوحه رفتار خود قرار دهند. این پدیده به رفتار متوازنی از دقت و مراقبت در توزیع، تخصیص و مصرف منابع عمومی از جانب صاحبان حکومت و دولت دارد که نه خست افراطی مذموم را و نه بی‌تفاوتی افراطی را به چنین منابعی در پیش می‌گیرند، بلکه خط‌مشی‌گذاران، مدیران و کارکنان دولت در وضع خط‌مشی‌ها، راهبردها و رویه‌ها به شدت مراقب حق و حقوق شهروندان هستند، یعنی تصمیم‌های عمومی را بدون حساب و کتاب اتخاذ نمی‌کنند، منابع کشور را بی‌جهت مصرف نمی‌کنند، آنها را هدر نمی‌دهند. براین اساس به شدت از منابع مالی، فیزیکی، انسانی، روانی، اجتماعی، فرهنگی کشور مراقبت می‌کنند، تا هر منبعی در جای درست، زمان درست و سیاق درست استفاده شوند. در نگاه اسلامی حفظ بیت‌المال مسلمین مورد تأکید فراوان قرار دارد، از این رو عمل خساست به‌خرج دادن در حکمرانی و مدیریت و به‌کارگیری منابع ملی مقدس تصور می‌شود زیرا هم در نگاه اسلامی



عمل ثوابی است و هم اهمیت زیادی در فراز و فرود کیفیت زندگی شهروندان دارد. اگرچه واژه حساست و خسیس بودن در فرهنگ ایرانی و حتی اسلامی مذموم است ولی داشتن روحیه حساسیت شدید و منطقی نسبت به بیت‌المال نه تنها مذموم نیست بلکه امری مقدس می‌تواند محسوب شود. اگر کسی با داستان علی (ع) و عقیل برادرش را آشنا باشد نیک می‌داند که حساست بالای علی (ع) نسبت به بیت‌المال را می‌توان در رفتار آن امام در برخورد با برادرش دید. پس باید نسبت به توزیع، تخصیص و مصرف بیت‌المال حساست مقدس به خرج داد و از رویکرد حاتم طایی در اداره امور جامعه اسلامی حذر کرد. این پدیده را می‌توان در قالب یک ایده نظری مطرح کرد، آنچه در این نوشته دنبال شد؛ اما واژه نظریه در قاموس علوم متعارف دارای قداست خاصی است و نزدیک شدن به آن قدری که نه بلکه فراوان دشوار است زیرا کسانی که در فلسفه تحصیل‌گرایی معمول می‌اندیشند معتقدند باید ابعاد، مولفه‌ها، نشانه‌گرها و جزئیات پدیده تئوریزه شده را ترسیم کرد و حرکت رفتاری آن را در آزمایشگاه به قامت آزمایش درآورد، از این رو تا زمانی که نظریه‌پرداز به این حد از یقین نرسیده است نیاستی مدعی نظریه‌ای شود. این رویکرد در علوم اجتماعی تحصیل‌گرا هم باب است اما نویسنده مدعی است می‌شود ایده نظریه اولیه‌ای که تصویری از رفتار پدیده را برای خواننده ترسیم می‌کند مطرح کرد و قبض و بسط آن را (theory elaboration)^۱ به پژوهش‌های بعدی نویسنده یا دیگران واگذار کرد. بنابراین نویسنده مدعی یک نظریه سفت و سختی که در قالب علوم متعارف مطرح می‌شود نیست بلکه مدعی است این پدیده را در رفتار برخی از خط‌مشی‌گذاران، مدیران و کارکنان حکومت و دولت در ایران دید. به گفته صاحب‌نظران (Dyer & Wilkins, 1991) برای تولید یک نظریه خوب «گفتن داستان خوب یک رفتار بهتر است تا ساخت سازه‌های بهتر»^۲. برخی از این خط‌مشی‌گذاران مدیران و کارکنان بنا به باورهای دینی خود نسبت به «تخصیص، توزیع و مصرف منابع، و سرمایه‌های عمومی (هم

۱. این مقاله ارزشمند را بخوانید:

Fisher, G., & Aguinis, H. (2017). Using Theory Elaboration to Make Theoretical Advancements. *Organizational Research Methods*, 20(3), 438-464.

۲. این مقاله ارزشمند را بخوانید:

Dyer Jr, W. G., & Wilkins, A. L. (1991). Better stories, not better constructs, to generate better theory: A rejoinder to Eisenhardt. *Academy of management review*, 16(3), 613-619.



فیزیکی و مالی و هم غیر فیزیکی و غیرمالی) به شدت حساسند، حساب و کتاب دارند، دست و دل‌بازی به خرج نمی‌دهند، سخت‌گیرند، به عبارت دیگر خساست به خرج می‌دهند (با دقت و وسواس سختگیری می‌کنند). نویسنده به‌عنوان یک پژوهشگر و مدیر در سازمان‌های دولتی ایران با انجام مصاحبه‌هایی با این افراد ایده «خساست مقدس» را مطرح کرده است و هدفش ترویج رفتارهایی در بخش دولتی است که می‌تواند این بخش را از سایر بخش‌ها متمایز سازد. نظریه روایتی این رفتار می‌تواند توسط دیگران بسط داده شود. اگر این ایده نویسنده با تجربه برخی از خوانندگان از رفتار برخی از خط‌مشی‌گذاران، مدیران و کارکنان همسویی داشته باشد نویسنده به هدف خود رسیده است و اطمینان حاصل می‌کند که این پدیده به کرات در رفتار برخی از متولیان امور حکومتی و دولتی فراوان به چشم می‌خورد^۱.

منابع و مأخذ

- [۱] اعرافی، ع. نگرش به حکومت و مدیریت از منظر امام علی (ع). روش‌شناسی علوم انسانی، ۷ (۲۶)، (۱۳۸۰)، ۲۲-۴۵.
- [۲] بحارالانوار
- [۳] پاک‌نیا، ع. امام محمد باقر علیه‌السلام سرچشمه دانش. قم: فرهنگ اهل‌بیت (علیهم‌السلام)، (۱۳۸۸).
- [۴] تحف‌العقول
- [۵] تفسیر الإمام العسکری علیه السلام

۱. رفتار رهبری نظام اسلامی ایران و برخی از سران نظامی، سیاستمداران، خط‌مشی‌گذاران کشور در برخورد با برخی پیمان‌های بین‌المللی و تعامل با برخی کشورها ممکن است از نظر برخی از افراد دشمن تراشی یا لجاجت سیاسی در عرصه جهانی یا منزوی کردن کشور در بازهای جهانی تبلیغ شود ولی در نگاه برخی انسان‌های دور اندیش و آشنا با کشورداری این رفتار نوعی «سخت‌گیری یا همان خساست مقدس» در پاسداری از کشور و جوهره حکومت اسلامی تلقی می‌شود که تجلی حساسیت به‌خرج دادن، هوشمندی راهبردی، دقت‌مندی و وسواس آینده‌نگارانه‌ای است که یک حاکم یا خط‌مشی‌گذار بایستی در دفاع از کیان کشورش در رفتار و گفتار خودش نشان دهد و گرنه تاریخ گذشته تاراج سرزمینی کشور تکرار خواهد شد (عهدنامه گلستان را مرور کنید). این گفته نافی تعامل سازنده با دیگر کشورها نیست بلکه به هوشیاری در معامله بر سر منابع و سرمایه‌های یک کشور اشاره دارد که امری مقدس تلقی می‌شود.



- [۶] دانایی‌فرد، ح. به سوی چارچوبی برای مطالعه مدیریت دولتی اسلامی بخش ۲: مضامین کلیدی و چارچوب پیشنهادی. *دوفصلنامه مطالعات دین، معنویت و مدیریت*، ۵(۱۰)، (۱۳۹۵)، ۱۳۷-۱۶۰.
- [۷] دنهارت، رابرت بی. *نظریه‌های مدیریت دولتی*. ترجمه سید مهدی الوانی و حسن دانایی‌فرد. تهران نشر صفار، (۱۳۹۷).
- [۸] الذهبی، ش. *تاریخ الاسلام*، (۱۴۱۰).
- [۹] طباطبایی، سیدم. ترجمه تفسیرالمیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، ج ۴، دفتر انتشارات اسلامی، (۱۳۷۴).
- [۱۰] غرر الحکم
- [۱۱] گفتاری از استاد قرائتی درباره حق الناس ۱۳۹۰-۹-۵ یادداشت پژوهی در تسنیم
- [۱۲] فلاح سلوک‌لایی، م. سیمای کارگزاران دولت اسلامی از منظر امام علی. *معرفت*، ۹۳: (۱۳۸۴)، صص ۱۱۸-۱۰۲.
- [۱۳] قران کریم
- [۱۴] الکافی
- [۱۵] لغت‌نامه دهخدا
- [۱۶] مستدرک الوسائل
- [۱۷] مصباح یزدی، م. *ره‌توشه: پنجاهای پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به ابوذر/ تحقیق و نگارش: کریم سبحانی*. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، (۱۳۹۱).
- [۱۸] مطهری، م. *سیری در نهج‌البلاغه*. تهران: انتشارات صدرا، (۱۳۵۴).
- [19] Frederickson, H. G. Toward a theory of the public for public administration. *Administration & Society*, 22(4), (1991), 395-417.
- [20] Denhardt, R. B. *The pursuit of significance: Strategies for managerial success in public organizations*. New York: Wadsworth Publishing Company, (1993).
- [21] Dyer Jr, W. G., & Wilkins, A. L. Better stories, not better constructs, to generate better theory: A rejoinder to Eisenhardt. *Academy of management review*, 16(3), (1991), 613-619.
- [22] Kernaghan, K., & Langford, J. W. *The responsible public servant*. Halifax: Institute for Research on Public Policy, (1990).



- [23] Mulgan, R. Public servants and the public interest. *Canberra Bulletin of Public Administration*, (97), (2000) , 1-4.
- [24] Muradian, R. Frugality as a choice vs. frugality as a social condition. Is de-growth doomed to be a Eurocentric project?. *Ecological Economics*, 161, (2019) , 257-260.
- [25] Hatch, M. J. *Organization theory: Modern, symbolic, and postmodern perspectives*. New York: Oxford University Press, (2018).

حسن دانایی‌فرد

۱۴۰۲/۶/۱۵